



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۳/۱۰

طارق "ارسلائی"

نقش زنان در رشد اقتصادی جوامع اسلامی*

از مجموع ۱.۶ بلیون مسلمان در جهان، مناصفه آن یعنی بیشتر از هشتصد ملیون آنرا زنان تشکیل میدهد. نفوس مجموعی ۳۰ کشور "دارای اکثریت مسلمان" به ۱.۲۵ بلیون میرسد و از این تعداد ۵۰۰ ملیون افراد آن شامل کار استند. اگر این ارقام را کمی بیشتر مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم دیده میشود که از جمله این ۵۰۰ ملیون افراد دارای مشاغل، بتعداد ۳۴۲ ملیون آن را مردها و ۱۵۵ ملیون (یا ۳۰ درصد) آن را زنها تشکیل میدهد. ۲۰ سال قبل تعداد زنان دارای مشاغل در همین ۳۰ کشور "دارای اکثریت مسلمان" به ۱۰۰ ملیون میرسید که به اینحساب در مدت بیست سال اخیر بیشتر از ۵۰ ملیون زن مسلمان جدیداً داخل مارکیت کار گردیده اند. اگر این ارقام را بشکل فیصدی مقایسه کنیم میبینیم که در مدت بیست سال شمولیت در مارکیت کار یک افزایش ۵۰ درصد را برای زنان و ۳۷ درصد را برای مردها نشان میدهد. احصائیه ها نشان میدهد که در ۲۵ سال آینده در کشور های اسلامی فیصدی مجموعی زنان شامل نیروی کار بیشتر از مردان خواهد بود. همین اکنون در کشور قزاقستان زنها ۷۵ درصد نیروی کار را تشکیل میدهند؛ در کشور های محافظه کار و سنتی چون کویت و امارات عربی این فیصدی به ۴۰ درصد میرسد. در عربستان سعودی زیادهترین فارغان "رشته تجارت" را دختران جوان تشکیل میدهند و به همین علت بیشترین کارمندان بانکها را نیز زنها تشکیل میدهند. به اینترتیب دیده میشود که مارکیت کار در کشورهای اسلامی بشدت دستخوش یک دگرگونی عمیق میباشد و شرایط استخدام بسرعت بنفع زنها در حال تغییر است؛ "سعدیه زاهدی" از این پدیده به نام "انقلاب خاموش" یاد میکند. عمدتاً سه عامل در جذب خانمها در مارکیت کار مؤثر بوده است: تحصیل بهتر، تولید بیشتر، و شرایط مناسبتر کار:

کشورهای اسلامی بسرعت در تلاش استند تا با کاروان علم خود را همگام سازند؛ امروز جوامع اسلامی بیشترین تعداد تعلیم یافته را در طول تاریخ خود دارند. والدین خاصتاً سعی دارند تا شرایط بهتر تحصیل را برای دختران جوان خود آماده سازند. در مجموع از جمله ۹۲ ملیون جوانانی که در کشور های "دارای اکثریت مسلمان" شامل مکاتب ثانوی استند، ۵۰ ملیون یعنی بیشتر از مناصفه آنرا دختران جوان تشکیل میدهند. در سال ۱۹۷۰ دو فیصد جوانان در عربستان سعودی و پنج فیصد در ترکیه بعد از فراغت از مکتب شامل یونیورستی ها میشدند، اما امروز این تعداد به ۶۰ درصد در عربستان سعودی و ۷۹ درصد در ترکیه ارتقا نموده است. یک دهه قبل در عربستان سعودی ۳۰ درصد دختران جوان بعد از فراغت از مکاتب تحصیلات عالی خود را در یونیورستی ها ادامه میدادند، امروز این رقم به بیش از پنجاه درصد افزایش یافته است. در اندونیزیا تعداد دختران جوان شامل یونیورستی ها از دو فیصد در سال ۱۹۷۰ به ۳۳ درصد و در ایران این رقم از ۲۴ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۴۰ درصد افزایش یافته است. در امارات متحده عربی بیشتر از مناصفه محصلین یونیورستی ها دختران اند. امروز از جمله ۲۳۶ ملیون دختر جوان در این سی کشور "دارای اکثریت مسلمان" ۲۵ ملیون آن دارای اسناد تحصیلات عالی میباشد. تحصیل بهتر زمینه جذب بیشتر را در مارکیت کار فراهم میسازد؛ دولتها و شرکتهای خصوصی در کشورهای اسلامی بشدت در تلاش جذب این نیروی جدید و با استعداد استند. کشورهای اسلامی با کمبود "سرمایه مالی" نی بلکه با کمبود "سرمایه بشری" مواجهه استند، و دختران جوان و با استعداد بسرعت در راه رفع این کمبود گام برمیدارند.

مجموع GDP یا "تولید ناخالص داخلی" ۳۰ کشور "دارای اکثریت مسلمان" در جهان به ۱۴ تریلیون دالر میرسد که این رقم ۱۲ درصد GDP جهان را تشکیل میدهد. عاید مجموعی سالانه ۱۵۰ ملیون زن مسلمان شامل کار (که در فوق ذکر گردید) به حدود یک تریلیون دالر میرسد؛ در ۱۵ سال اخیر سهم زنها در کار باعث رشد اقتصادی پنج درصد در میان مناصفه کشورهای "دارای اکثریت مسلمان" گردیده است حال آنکه در همین مدت طور مقایسه امریکا صرفاً دو فیصد رشد اقتصادی داشته است. امروز جهان اسلام با پدیده Womenomics (اقتصاد زن محور) مواجه گردیده است. کارشناسان اقتصادی به این باور استند که اگر تا ده سال آینده زمینه عادلانه مشارکت زنها در کار میسر شود، GDP جهان ۲۶ درصد افزایش خواهد یافت و ۱۲ تریلیون دالر به اقتصاد جهانی و ۵۰۷ تریلیون دالر به اقتصاد ۳۰ کشور "دارای اکثریت مسلمان" افزوده خواهد شد. اگر نیروی کار زنها در شرق میانه در ده سال آینده به همین شکل افزایش یابد، "تولید ناخالص داخلی" این کشور ها ۴۷ درصد افزایش خواهد یافت. بهمین منوال

د پائو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې دلیکنیزې بنې پزوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

با فراهم نمودن شرایط بهتر کار برای زنها "تولید ناخالص داخلی" بنگلادیش در ده سال آینده یک رشد ۹۴ بلیون دالر، ازبکستان ۳۳ بلیون دالر، و یمن ۳۹ بلیون دالر را تجربه خواهد نمود. متأسفانه در مورد رشد اقتصادی افغانستان ارقام و احصائیه های دقیق در دسترس نیست، ولی با محاسبه مقایسوی با دو کشور اسلامی همدریف یعنی ازبکستان و یمن که بصورت نسبی از نظر نفوس و GDP با افغانستان در یک سطح قرار دارند (با تفاوت اینکه GDP کشور ازبکستان دو برابر افغانستان است) میتوان نتیجه گرفت که در صورت فراهم نمودن زمینه عادلانه مشارکت زنها در کار، افغانستان با ۴۰ میلیون جمعیت نفوس و GDP ۲۰ بلیون دالر (به اساس راپور سال ۲۰۲۰) یک ازدیاد تقریبی سالانه معادل ۳.۶ بلیون دالر در GDP خود خواهد داشت که این مقدار ۱۸ درصد کل "تولید ناخالص داخلی" کشور را تشکیل میدهد.

امروز از محافظه کار ترین کشور های عربی تا قزاقستان، پاکستان، بنگلادیش، اندونیزیا، مالیزیا، ... سعی دارند تا با وضع قوانین سخت ضد "آزار و اذیت جنسیتی"، شرایط مناسب داخل شدن در نیروی کار را برای زنها فراهم کنند: شش کشور اسلامی قانون ضد تبعیض جنسیتی در استخدام، ده کشور اسلامی قوانین ضد آزار و اذیت جنسیتی در ساحه کار، هشت کشور اسلامی قوانین ضد آزار و اذیت جنسیتی در ملاء عام، و ده کشور اسلامی قانون منع اخراج زن حامله از کار را وضع کرده اند. بعضی کشورهای اسلامی چون مالیزیا قانونی را وضع نموده است که به اساس آن ۳۰ درصد اعضای هیأت مدیره کمپنی ها را زنان تشکیل میدهد و به همین اساس امروز اندونیزیا و مالیزیا پیشرفته ترین کشورهای اسلامی در ساحه به حقوق زن استند. ترکیه قانون معافیت از مالیه را برای کمپنی های که زنان بیکار را استخدام کنند وضع نموده است. عربستان سعودی نیز جهت رهائی از "اقتصاد وابسته به تیل"، کمپاین "چشم انداز ۲۰۳۰" Vision 2030 را براه انداخته است که به اساس آن تلاش دارد تا شمولیت زنها را در مارکیت کار از ۲۲ درصد به ۳۰ درصد افزایش دهد.

قطع کمک های خارجی و اعمال تحریم ها بالای طالبان، چرخش اقتصادی کشور را به رکود نزدیک ساخته است که بموجب آن مردم افغانستان با فقر و تنگدستی بیسابقه دست و گریبان استند. جهت بحرکت درآوردن چرخ اقتصادی، طالبان بیشتر توجه را بالای ذخائر طبیعی کشور معطوف داشته اند. طالب ها باید بدانند که منابع طبیعی محدود به ظرفیتهای خود میباشند و بالاخره یک روزی بیپایان خواهند رسید، ولی استعداد بشری لایتنهای و نامحدود است؛ تجربه کشورهای پیشرفته نشان داده است که: سرمایه گذاری بالای تعلیم یگانه طریقه مؤثر کاهش فقر در یک کشور است. متأسفانه استعداد های بشری افغانستان یا در حال فرار استند و یا هم راکد مانده اند، طالب ها باید زمینه های بکارگیری و رشد این استعداد ها را در داخل کشور فراهم نمایند. چنانی که در فوق ذکر گردید، با سهمگیری خانمهای افغان در مارکیت کار، سالانه ۳.۶ بلیون دالر بر "تولید ناخالص داخلی" کشور اضافه میشود که این مؤثرترین راه کاهش فقر در کشور خواهد بود. بعد از دوجنگ جهانی در اروپا و امریکا زنها چرخ ورشکسته اقتصادی را بر شانه های نحیف خود حمل نموده و آنرا دوباره به حرکت درآوردند. اگر برای زنها زمینه تحصیل و کار مساعد شود، مطمئناً که خانمهای افغان استعداد و توان آنرا دارند تا چرخ ورشکسته اقتصادی کشور را بهتر از همطرازان خود در دیگر کشور ها بحرکت درآورند.

طارق ارسلانی – ایالت ویرجینیا، امریکا

* در این نوشته از ارقام و احصائیه های ملل متحد، بانک جهانی، شورای روابط خارجی Council on Foreign Relations، و کتاب "سعدیه زاهدی" Fifty Million Rising استفاده گردیده است.